

دانشگاه آزاد اسلامی

● همانگونه که زبان انگلیسی کلماتی مثل اخلاق، امانت، عدالت و نظایر آن را از دیگر زبانهای اروپایی قرض کرده، زبان ژاپنی نیز این کلمات را از زبان چینی گرفته است.

● از قرن هشتم تا نوزدهم زبان و ادبیات چینی در میان تحصیلکردگان ژاپنی بیش از زبان و ادبیات خود آنها مایه فخر و غرور بود.

● بیشتر اساطیر امروزی ژاپن در قدیمی ترین آثار موجود به نامهای «کوجی کی» و «نی هون شوکی» ثبت و ضبط است. این دو گویای منشاء طبقه حاکمه و در خدمت تقویت آن است.

● قصه های جنگ برجسته ترین انواع ادبی عصر میانه است. قصه هیک مشهورترین این آثار است و سطور آغازین آن با قلمی فاخر فناپذیری همه موجودات را اعلام می دارد.



● از هیات تحریریه دائرة المعارف بریتانیکا

● ترجمه: فروهر فاضلی

ژاين در نظر همه كس سرزمين كار، صنعت و تكنولوژى است. اين خصيصه حيات ژاين تا بدانجا چشمگير شده كه ساير ابعاد را در سايه خود از انظار پنهان كرده است. مقاله حاضر در پاسخ به نياز آگاهى از ادبيات ژاين، تاريخ، پيدايش و بالتدگى آن ترجمه شده است.

■ ادبيات ژاين از لحاظ كمى و كيفى در زمره مهمترين ادبيات جهان است و از لحاظ قدمت، غنا و حجم، همسنگ ادبيات انگليسى است گرچه فراگرد تحولات آن نسبتا با اين ادبيات تفاوت دارد. مجموعه آثار ادبيات ژاين، از قرن هفتم قبل از ميلاد تا كنون را در بر مى گيرد. در تمام طول اين مدت هيچ دوره اى تاريخ و خالى از خلق آثار ادبى نبوده است. در ادبيات ژاين تنها شعر، رمان و نمايشنامه نيست كه تاريخى طولانى دارد. بعضى انواع ادبى چون يادداشتهاى روزانه، سفرنامه و كتب آنديشه هاى پراكنده كه در ساير كشورها چندان مورد توجه نيست نيز در اين ادبيات جايگاه بالايى دارد. عدد زياد آثار نويسندگان ژاينى به زبان كلاسيك چينى، كه حجم و اهميت آن در مقايسه با آثار لاتينى نويسندگان انگليسى بسي بيشتر است، چين را نيز مرهون آثار ژاينى كرده است. آثارى كه به زبان ژاينى است از نظر سبك چنان تنوع فوق العاده اى دارد كه تنها از راه تكامل طبيعى زبان، قابل بررسى و تبين نيست. بعضى از اين سبكها زير نفوذ فرهنگ لغات و صرف و نحو چينى بوده، اما ديگر سبكها در پاسخ به مقتضيات درونى نسلهاى مختلف پديد آمده است.

ملاحظات كلي

سخن گفتن از دشواري زبان ژاينى، گزافه نيست. حتى محتمل است كه متخصصان زبان يك عصر آثار متعلق به نسل ديگر را با اشكال بخوانند. در بعضى مواقع فهم فاعل يا مفعول جمله نيازمند دانستن سطح اخلاقي آن جمله است. در بسيارى موارد براي درك جمله هاى ساده بايد با دوره تاريخى خاصى آشنا بود. دوره طولانى انزواي ژاين در سده هاى ۱۷ و ۱۸ ميلادى نيز محدوديت زبان ژاينى را دامن زد و باعث شد تا فقط در نزد افرادى كه پيشينه مشتركى با ژاين و ژاينى ها دارند مفهوم باشد.

با وجود اشكالات زيادى كه از اين قبيل مسائل و اختلافات ناشى مى شود ادبيات ژاينى تمام اعصار چه در زبان اصلى و چه با زبان مترجم، براي خواننده امروزي قابل فهم است. به سبب آنكه اين زبان بيشتر ذهني است و رنگ عاطفي آن بيش از رنگ فكري يا اخلاقي است و موضوعات آن حالي كلي و جهاني دارد، از گزند زمان محفوظ مى ماند. خوانندگان يادداشتهاى روزانه زني از قرن دهم هنوز هم مشرو قوى است، چرا كه او با چنان امانت و قدرتي عميقترين احساساتش را توصيف مى كند كه خواننده امروزي فاصله تاريخى و دگرگوني آداب و رسوم اجتماعى را زياد مى برد.

در زبان اصيل ژاينى، پيراسته از اثرات زبان چينى، كلماتى كه داراي ماهيت انتزاعى باشد بسيار اندك است. همانگونه كه زبان انگليسى كلماتى مثل اخلاق، امانت، عدالت و نظاير آنرا از ديگر زبانهاى قاره اروپا قرض كرده، زبان ژاينى اين كلمات را از زبان چينى

گرفته است. زبان ژاينى اگر كلماتى مناسب مباحث كنفوسوسيوي نگداشت در عوض مى توانست بى نهايت مفاهيم عاطفي را بيان كند. شاعري ژاينى كه از محدوديت هاى زبان مادري خود ناراضى بود يا قصد توصيف و تشريح موضوعات غير عاطفي را داشت، طبيعتا به نوشتن اشعارش به زبان چينى روى مى برد.

در قرن دهم كلماتى كه ريشه بيگانه داشت به كوشش شاعران براي سره ساختن زبان نظم، از زبان ژاينى حذف گرديد. اما بسيارى از اين كلمات از قرن شانزدهم باز توسط شاعران «هايكو» به كار گرفته شد. هايكو اصلا يكي از قالبهاى شعر مردمى ژاين است.

نثر ژاينى با تركيب سيال خود سبك و محتوا، هر دو را تحت تاثير قرار مى دهد. طول جملات ژاينى بعضا نامشخص است و با انعطافها و پيچ و خم هاى فكر نويسنده ملازم مى شود. مشكلي كه نويسندگان ژاينى در نظم و نسق دادن به تاثرات و دريافته هاى خود در قالب آثار گرانسنگ دارند، پيدايش كتب خاطرات روزانه و سفرنامه ها را نوجيه مى كند. در اين قالبها روزهاى زندگى يا صحنه هاى متوالى از مسافرت به شكلى بنا مى شود كه نوشتن آن در قالبهاى ديگر آنرا بى ربط و گسسته جلوه مى دهد. ادبيات ژاين داراي بعضى از بلندترين رمانها و نمايشنامه هاى جهان است. اما اوج آن در آثار كو تا هتر مثل «هايكو» يا «تانكا» نمايان است. نفوذ مستقيم زبان چينى بر ادبيات ژاينى بسيار زياد است. با اينحال آثار ادبى مهم ژاين همه متمايز از چينى است. سنت نويسندگى زنان خصوصا در زمينه آثارى مثل خاطرات روزانه جلوه اى به نثر ژاينى مى بخشد كه با آثار عيني و مردانه ادبيات چينى تفاوت دارد.

ژاينى ها همواره به علت تقليد از نمونه هاى ادبى چينى، حتى از سوي هموطنان خود مورد انتقاد بوده اند. اما واقع امر آن است كه رمان ژاينى بر هر رمان چينى سبقت دارد. تاثرات ژاينى نيز به صورت كاملا «مستقل» يا به عرصه وجود نهاد. زبانهاى چينى و ژاينى تماما با يكديگر فرق دارد اما زبان ژاينى با زبان كره اى تقريبا مرتبط و شبيه است. ولكن ادبيات كره بر ادبيات ژاينى تاثير قابلى نگذاشته است. با اينكه كره ايا نقش مهمى در نقل آثار ادبى و فلسفي چينى به ژاينى داشتند، ژاينى ها تا ادوار متاخر با نظم و نثر زبان كره اى آشنا نبودند. زبان و ادبيات چينى از قرن هشتم تا قرن نوزدهم در ميان تحصيلكردگان ژاينى بيش از زبان و ادبيات خود آنها مابه فخر و غرور بود. اما علاقه به آثار كلاسيك ژاينى، خاصه آثار قرون دهم و يازدهم، اندك اندك به ميان تمام مردم گسترده شد و همه قالبهاى ادبى را تحت تاثير قرار داد.

تاريخ

نخستين آثار ادبى ژاينى تحت تاثير و نفوذ ادبيات چينى نوشته شد. ژاينى ها در آن زمان در ابتدائى راه بودند تا آنكه در طول چهارصد ساله قبل از ميلاد به شناخت تمدن چين دست يافتند. آنها قسمت عمده اين تمدن را به سرعت هضم و جذب كردند و خلق و خصال چينى نصب العين نوشته هاى ژاينى گرديد. اين وضع منجر به پيوستگى تصنيفات ادبى و خط شد و تا قرنها برقرار ماند.

قديمى ترين نوشته اى كه پيدا شده بر روى شمشيرى از حدود سال ۴۴۰ قبل از ميلاد است. در

اين اثر اصلاحاتى در زبان چينى معمول ديده مى شود تا بتواند نامها و تصورات ژاينى را برساند. در قديمى ترين آثار موجود، «كوجي كى» (كتاب موضوعات باستانى) و «نى هون شو كى» (وقايع نگارى ژاينى)، بيش از ۱۲۰ شعر ديده مى شود كه قدمت بعضى از آنها شايد تا قرن پنجم قبل از ميلاد هم برسد. بيشتر اساطير امروزي ژاين در اين دو اثر ثبت و ضبط است. اين دو گويابى منشاء طبقه حاكمه و در خدمت تقويت آن است. از اينرو اين آثار اساطيرى محض نيست و رنگ سياسى غليظى نيز دارد.

در ژاين شجره نامه ها و سوابق اسطوره شناسى لااقل از شش قرن قبل از ميلاد و احتمالا بسي بيشتر از آن تهيه و نگهدارى مى شده است. در عهد «تمو» امپراتور ژاين در قرن هفتم لازم آمد كه شجره نامه كليسه خانواده هاى برجسته معلوم گردد تا همانند چين براي هريك جايگاه معينى در سطوح طبقات و القاب در نظر گرفته شود. به اين دليل تمو دستور تاليف اسطوره ها و شجره نامه ها را داد كه سرانجام به صورت «كوجي كى» و «نى هون شو كى» درآمد.

غايت جهان شناسى اين دو اثر رساندن شجره نامه امپراتوران تا هنگام بناى عالم است: در آغاز، جهان توده اى بى شكل، به سان تخم مرغى بى شكل و پراز تخم بود. با گذشت زمان قسمتهاى لطيف تر آن آسمان گرديد (يانگ) و قسمتهاى ثقيل تر آن زمين (بين). بنا به روايت نى هون شو كى يكي از سه خداى «كاملا نرينه» آغازين به شكل نى ظاهر گرديد و آن نى آسمان و زمين را بهم مرتبط مى ساخت. حال ديگر بناى مركزى جهان گذاشته شده بود، گل و شن در اطراف آن جمع شد و جايگاهى مسكونى پديد آمد. و از آخر «ايزانامى» (اله دعوت) و «ايزانامى» (اله دعوت) يديدار شدند.

ادبيات كلاسيك

بناگذاري شهر «هيان - كيو» شهرى كه بعدها «كيوتو» نام گرفت، براي پايتختى ژاينى سرآغاز عصر بسيار درخشاني در ادبيات بود. با اين وصف نخستين آثار اين عصر بيشتر به زبان چينى نوشته مى شد زيرا هنوز هم همگان ميل به همچشمى با فرهنگ قاره داشتند. بين سالهاى ۸۱۴ و ۸۲۷ سه گلچين اشعار چينى با حمايت دستگاه امپراتورى نشريافت و نامدى چينى مى نمود كه نوشتن با زبان ژاينى نشانگر موقعيت فردوستانه نويسنده است. «سوكاوارا ميچي زانه» برجسته ترين شاعر چينى زبان قرن نهم ژاينى بود. او با قريحه شاعري خود درخشش زبان چينى در ژاينى را به غايت آن رساند. اما آنگاه كه به سفارت ژاينى در چين برگزيده شد از رفتن به چين خوددارى كرد. دليل او اين بود كه چين ديگر چيزى ندارد كه به ژاينى بدهد و اين عمل نقطه عطف و سرآغاز وازنى نفوذ چين در ژاينى شد.

اختراع هياهاى مصوت «كانا» توسط «كوكاي» كشييش و دانشجوى سانسركريت در قرن نهم، نگارش زبان ژاينى را بسيار آسان كرد. در حدود سالهاى ۸۸۰ مجموعه هاى شخصى شعر كانا نوشته شد، و در سال ۹۰۵ «كوكين شو» نخستين اثر عمده ادبيات كانا توسط «كى تسورا يو كى» و ديگر شاعران فراهم آمد. اين اثر مجموعه آثار كهن و جديد بود. اين گلچين

ادبی شامل یکهزار و یکصد و یازده شعر در بیست کتاب به ترتیب عنوان بود. در زمره این کتابها شش کتاب مربوط به اشعار سروده شده درباره فصلهای سال، پنج کتاب اشعار عاشقانه، و کتابهایی در یک جلد با اشعاری درباره موضوعات گوناگونی چون سفر، سوگواری و شادمانی قرار داشت. تانکاهای گردآمده در کوکین شو با مفهوم و آهنگ زیبایی خود خواننده را مقنون می کند.

زمانی رسید که تسلط بر نگارش به تانکا از اسباب نیل به موقعبهای برتر اجتماعی به شمار می رفت. وضع چنان شد که عشاق برای نوشتن نامه ای به معشوقه هایشان ناگزیر باید اشعاری می نوشتند که بیانگر احساسات خود آنها به زبان تانکا باشد. این زبان در جلب نظر معشوق بسیار مهم تلقی می شد. با این حال اسناد و مکاتبات رسمی هنوز هم به زبان چینی نوشته می شد. در این دوره تانکا چنان رواج یافت که «چوکا» دیگر زبان شعری ژاپنی را از میدان بدر کرد.

در کوکین شو اشعار عاشقانه جایگاه مهمی دارند. لکن در آن به لذت عشق چندان توجهی نمی شود بلکه در عوض شاعر با افسردگی به وصف اضطرابات قبل از دیدار با معشوق، درد جدایی، و اندوه پایان عشق می پردازد.

مقدمه کوکین شو فهرستی دارد که حاوی نقد و نظر درباره شاعران عمده این مجموعه است. این انتقادات، نظر خواننده امروزی را نمی تواند جلب کند زیرا که غیر تحلیلی است؛ اما همین انتقادات سرآغاز نقد شعر ژاپنی شد.

کی تسورا یوکی همچنین به خاطر اثر دیگرش «توسانی کی» (یادداشتهای توسا) در خور اوج شناخته می شود. توسانی کی در سال ۹۳۵ نگاشته شده و گزارش سفر او از استان توسا به زادگاهش کیوتو است. وی در آنجا مقام فرمانداری داشت. تسورا یوکی یادداشتهای روزانه خود را به زبان ژاپنی نوشت و حال آنکه در آن روزگار مردمان معمولاً یادداشتهای روزانه را به زبان چینی می نوشتند. او در این اثر وقایع سفر را با اشعاری که در مواقع مختلف سروده، در هم آمیخته است. این اثر خصوصاً به علت اشارات مکرر به مرگ دختر تسورا یوکی در توسا تاثیر گذار است.

توسانی کی نخستین نمونه یادداشتهای ادبی است. از آن عصر آثار دیگری نیز بصورت یادداشت روزانه باقی مانده است. این یادداشت ها از نظر فرم و محتوا شباهت و ارتباط زیادی با «اوتا مونوگاتاری» (قصه های منظوم) دارند که بعداً در قرن دهم در حد یکی از سبکهای ادبی پدیدار گشت. «ایز مونوگاتاری» (قصه های این) که در سال ۹۸۰ نوشته شد، مجموعه ۱۴۳ قطعه است. هر کدام از آنها شامل یک یا چند شعر و شرحی متشور پیرامون موضوع آن است. اختصار اشعار تانکا که غالباً همراه یا ابهام نیز بود پیدایش شرحیاتی از این قبیل را لازم آورد و چون این شرحیات بسط یافته و یا همچون ایزمونوگاتاری به اطلاعات مربوط به زندگی یک شاعر تعبیر شد به قلمرو داستان نزدیک گردید.

در کنار قصه های منظوم آثار مربوط به الهامات مذهبی یا تخیلی نیز وجود داشت که سرآغاز آنها به «نی هون ریوئیکی» (داستانهای اعجاز آمیز از سنت

«گن جی مونوگاتاری» عالی ترین اثر عصر خود و بلکه عالی ترین اثر در ادبیات ژاپنی و نخستین رمان حائز اهمیت جهان است.

جنگ در قرن دوازدهم مردانی نظامی به نام «سامورایی» را به قدرت بلامنازع رساند که به فرهنگ کهن ارج می نهادند. رویای گذشته پناه رمان نویس عصر میانه ادبیات ژاپن است که زبان خود را به تقلید از «گن جی مونوگاتاری» برمی گردید.

بودایی ژاپن می رسید. این اثر گزارش معجزات بودایی در ژاپن بود که به دست کشیش کیوکای جمع آوری گردید. این داستانها به زبان چینی نوشته شده و احتمالاً منبع پسند و اندرزه های کشیشان بود و برای ژاپنی عامی که نمی توانست آثار مشکل دینی را بخواند یا این قصه نوشته شده بود که چنانچه نمی خواهد بخاطر خطاهای خود عذاب دوزخ را تحمل کند باید در زندگی باتقوی باشد. اما در «تاکه توری مونوگاتاری» (قصه مردی که خیزران می زد) قصه ای پری وار درباره شاهزاده ای که از ماه برای سکونت در زمین به خانه آن مرد فروتن می آید اثری از آن جو آموزشی نی هون ریوئیکی دیده نمی شود. همه آزمایشهایی که شاهزاده از خواستگاران خود به عمل می آورد، گرچه خیالپردازانه است، به صورت فکاهی و واقعگرایانه توصیف می شود.

نخستین رمان بلند «اوتسو بو مونوگاتاری» (داستان درخت محوف) بین سالهای ۹۵۶ تا ۹۸۳ توسط «میناموتو شیناگو» نوشته شد. این اثر ناهمساخت بیشتر ملغمه عناصری از قصه های منظوم و داستانهای پری وار به شمار می آید و مشتمل بر ۹۸۶ «تانکا» است که قطعات آن از لحاظ فرم بین واقعگرایی ابتدایی و خیالپردازی محض قرار دارد.

تفاوت میان این اثر خام با «گن جی مونوگاتاری» که اثر پخته ای است، از زمین تا آسمان است.

«گن جی مونوگاتاری» عالی ترین اثر عصر خود و بلکه عالی ترین اثر در ادبیات ژاپنی و نخستین رمان حائز اهمیتی است که در جهان نوشته شده است. قهرمان این اثر شاهزاده گن جی افزون بر استعداد سیاستمداری، عاشق بی قرینی است که به هر یک از همه زنانی که بدانها دل می یازد حساسیت دارد. داستان کتاب مربوط به زنانی است که گن جی بیای به آنها عشق می ورزد و هر کدام آنها عکس العمل متفاوتی در این مرد شدیداً پیچیده برمی انگیزد. ثلث آخر رمان که دنیارا پس از مرگ گن جی وصف می کند لحن گرفته تری دارد و شخصیتها اصلی در عین آنکه همچنان مؤثرند چیزی بیش از بدلهای گن جی به نظر نمی رسند.

«گن جی مونوگاتاری» بلافاصله پس از نوشته شدن توفیق یافت و تا قرنها بعد خصوصاً همان ثلث آخر آن مورد تقلید و اقتباس قرار می گرفت.

«ماکورا نو سوشی» شاهکار دیگری از همان دوره است که در ردیف «گن جی مونوگاتاری» قابل بررسی است. این اثر در قرن دهم نوشته شد و ایضاً دارای حال

و هوای عاشقانه بود. این وضع مشخصه آثار همه نویسندگان سنت آریستو کراتیک بود.

عصر میانه ادبیات

در قرن دوازدهم ادبیاتی پدید آمد که به سنت کاملاً متفاوتی تعلق داشت. «گن جاکو مونوگاتاری» (قصه های گاه گذاری) مجموعه وسیع قصه های عامیانه و قصه های دینی بود که از اینجا و آنجا و ژاپن و علاوه بر آن از منابع هندی و چینی گرفته شده بود. این اثر که در اوایل قرن دوازدهم نوشته شد عناصری از اجتماع را توصیف می کرد که هیچگاه در رمانهای دوره پیشین طرف توجه قرار نمی گرفت. این داستانها گو اینکه نگارش خامی دارند امکان نظراتی اجمالی به طرز تکلم مردم عامی و رفتار آنها را در عصری فراهم می آورند که مشخصه آن جنگ، جنبشهای جدید مذهبی بود. جنگ در قرن دوازدهم مردانی نظامی به نام «سامورایی» را به قدرت بلامنازع رساند. رژیم جدید اینان متکی بر انضباط نظامی بود. سامورایی ها به فرهنگ کهن ارج می نهادند و بعضی آنها حتی تصنیفات تانکا را با نظر استادان کیوتو مطالعه می کردند. آنها پایتخت را به کاماکورا انتقال دادند.

در زمان دولت فئودالی سامورایی ها، مقام زن تنزل یافت و شاید همین تنزل مقام موجب تنزل قدر و منزلت نویسندگی در نزد زنان شد. واقع امر آنکه بین قرو سیزده تا نوزده کمتر زن نویسنده درخور اعتنایی می توان پیدا کرد.

از عالی ترین گلچین های ادبی پس از آن «شین کیوکین شو» است که «تیکا» آن را گردآوری کرد بسیاری آن را برترین دستاورد در تصنیفات تانکا شمرای می آورند. سرایندگان این مجموعه در جستجوی مفاهیم سمبلیک (نمادین) به ماورای جهان عینیان نظر داشتند.

تیکا با یک رمان نیز شناخته می شود. این اثر گواینی تمام مانده و ساخت بدقواره ای دارد، جو رؤیای گونه اش با مایه هایی که از شعر تیکا در آن است ذهن می ماند. رویای گذشته در حقیقت پناه رمان نوی عصر میانه ادبیات ژاپن است که زبان خود را به تقلید از «گن جی مونوگاتاری» برمی گردید، هر چند که این زبان دیگر کهنه شده بود. موضوعات و شخصیتها نوشته های این عصر نیز از آثار کلاسیک به وام گرف می شد. داستانهای این دوره به موضوعاتی از قبیل نامادری بد جنس می پرداخت؛ شاید نویسندگان خن را در جای نادختری زجر کشیده می دیدند، و پایا خوش نمونه وار این گونه داستانها که طی آن نادختر با سیاستمداری قدرتمند ازدواج می کند و نامادر بدجنس او خوار و ذلیل می گردد، می تواند تحفه آرزوهای نویسنده در رؤیا باشد.

بسیاری از یادداشتهای روزانه این دوره به توصیه سفر از کیوتو تا کاماکورا پایتخت شوگون ها می پردازد از این میان باید از «تووازو گاتاری» (گفته های سرزده ۱۳۰۷) نام برد که زندگینامه خود نوشته بس باارزشی است و به شرح و توصیف مفصل چندی مسافرتی اختصاص دارد.

این کتابها همه با سبک و سیاق آریستو کراتیک نوشته می شد و به سیاق ادبیات دوره پیش از خود بود اما آن دسته از آثار این عصر که کیفیت کلاسیک

مفاوتی داشت، برجستگی و اهمیت بیشتری دارد. از این دسته مجموعه‌های شخصیت‌های آن زنده به نظر می‌رسند.

زیادی از قصه‌های بودایی و قصه‌های عامیانه است که از میان آنها «اوجی شوی مونو گاتاری» (مجموعه قصه‌های اوجی) بی‌چون و چرا با کشش‌ترین است. حوادث قصه‌های این مجموعه بکر نیست اما قدرت ادبی‌اش به مراتب بیشتر از آثار مقدم بر آن است.

با همه اینها، برجسته‌ترین انواع ادبی عصر میانه، «گونکی مونو گاتاری» (قصه‌های جنگ) است. «هیک مونو گاتاری» (قصه‌های مشهورترین این آثار است که سطور آغازین آن با قلمی فاخر، فناندیری همه موجودات را اعلام می‌دارد. موضوع اصلی کتاب نیز همین نکته است. متن آن که گویا در ابتدا تنها سه کتاب را شامل می‌شد، با مرور زمان در نتیجه بازگویی با اضافات و الحاقات به دوازده کتاب رسیده است. همین نقل شفاهی آن می‌تواند علت اختلافات زیاد بین متون موجود و همچنین سبک موسیقی و نمایشی استثنایی آن به شمار آید.

نویسندگان دوره قبل به ندرت لغات چینی را در آثار خود به کار می‌بردند اما نقالان «هیک مونو گاتاری» از اصوات متمایز لغات وارداتی در بنایی که کلاسیک عظیم ژاپنی شناخته می‌شود استفاده می‌کردند. این اثر برای بسیاری از رمان‌نویسان و نمایشنامه‌نویسان بعدی منبع شخصیتها و حوادث داستانی آثارشان بود.

«هیک مونو گاتاری» به هیچ وجه نخستین اثر ادبی نبود که به توصیف اوصاف جنگ پرداخته باشد. آثار دیگری بیشتر با محتوای تاریخی نیز با چنان قریحه‌ای ادبی نوشته شده بود که در میان آثار مشابه خود در ادبیات غرب بی‌همتا است.

تصنیف قصه‌های جنگ در تمام طول عصر میانه ادامه داشت. نمونه آن «تای هیکی» (گاشماری صلح بزرگ) حدود ۵۰ سالی را در برمی‌گیرد که آغاز آن سال ۱۳۱۸م. زمان جلوس «گودایگو» بر تخت امپراتوری است. این اثر از نسلهای متعدد ژاپنی کاری کلاسیک می‌شمرند. گو اینکه فقط معدودی از شخصیت‌های آن زنده به نظر می‌رسند.

شخصیتها در «سواگاموتو گاتاری» و «گی کیکی» دو رمان تاریخی متعلق به اواخر نیمه دوم قرن چهاردهم، زنده تر توصیف شده‌اند. در بنای این آثار، هنری به کار نرفته اما تصاویر قهرمانان جسور و بتوان آن به چشم ژاپنی‌ها نمود خوبی داشت.

از دیگر انواع مهم ادبیات عصر میانه ژاپن مقالات کشیشهای بودایی است. «هوجو-کی» (کلیه ده مترمربعی، ۱۲۱۲) شرح دلپستن زاهدی به دنیاست که سرانجام آرامش را در تنهایی عزلت می‌یابد. زبان زیبای این اثر در عین کوتاهی متن، اعتبار کلاسیک بدان می‌بخشد. «جومی» نویسنده کتاب شاعر برجسته‌ای نیز بود و مقاله او به نام «مومیوشو» (یادداشت‌های بی‌نام، ۱۲-۱۲۱۰) شاید بهترین نمونه نقد سنتی شعر ژاپنی باشد.

درفرن پانزدهم قالب شعری جدید جای نانکا را گرفت. این قالب که «رنگا» نام داشت سرگرمی عموم،

اختراع هجایهای مصوت «کانا»
توسط «توکوکای» کشیش و دانشجوی
سانسکریته در قرن نهم، نگارش زبان
ژاپنی را بسیار آسان کرد.
«توکوکین شو» نخستین اثر عمده
ادبیات کانا در سال ۹۰۵ از مجموعه آثار
کهن و جدید پدید آمد.
نخستین رمان بلند
«اوتسومونوگاتاری» (داستان درخت
مخوف) بین سالهای ۹۵۶ تا ۹۸۳ توسط
«هیماموتوشیتاگو» نوشته شد.

حتی در نقاط دور دست روستایی بود. رنگا موقع سرودن یک نانکا توسط دونفر پدید آمد. یکی از آنها سه سطر اولیه نانکا را می‌سرود و در این کار بیشتر به جزئیات مبهم یا حتی متناقضی می‌پرداخت تا امر تکمیل شعر توسط نفر دوم را که به هوش و ذوق او بسته بود مشکلتر کند. رنگای استاد بزرگ قرن پانزدهم «لیوسوگی» و یاران او در تحریک تفرلی بی‌همتاست.

در زمینه آثار منثور، داستانهای کوتاه قرنهای پانزدهم و شانزدهم ارزش ادبی چندانی ندارد. بسیاری از نویسندگان این دو قرن به عصر ادبیات کلاسیک نظر دارند. اما بعضی دیگر از مواد و مصالح مردمی برای جلب خوانندگان بهره می‌برند. در گوشه و کنار این آثار نشانه‌های جامعه‌ای که دستخوش اغتشاش است دیده می‌شود.

بهترین آثار ادبی قرن پانزدهم بدون شک نمایشنامه‌های «نو» است. این نمایشنامه‌ها به شعری عالی نوشته شده و بسیاری از آنها به مایه‌های گناه در آیین بودایی مربوط است. مردگان زندگی خود را در این دنیا نمی‌توانند از یاد ببرند و همین مانع رهایی آنها است و موجب می‌شود تا دوباره و دوباره به شکل گول به دنیا برگردند تا از دست اعمال خود در زندگی پیشین فارغ شوند، و راه رهایی فقط عبادت و توبه است. البته این قاعده‌ای کلی نیست و بعضی از نمایشنامه‌های «نو» محتوای نمادین یا ماورای طبیعی ندارند.

ادبیات و صنعت چاپ

در اوایل قرن هفدهم صلح و آرامش به ژاپن بازگشت و کشور یکپارچه و متحد گردید. مردم ژاپن قریب به ۲۵۰ سال پس از آن از صلح پایدار برخوردار بودند. این زمان عصر حکومت توکوگاوا بود. در خلال نیمه اول عصر توکوگاوا شهرهای کیوتو و اوزاکا مرکز فعالیتهای فرهنگی بود. اما از حدود سال ۱۷۷۰ شهر «ادو» که امروزه توکیو نامیده می‌شود برتر از دیگر نقاط شد. ژاپن از اواسط دهه ۱۶۳۰ تا اوایل ۱۸۵۰ طبق دستور دولت اجازه تماس با خارج را نداشت. این انزوا بدو سبب رونق و رشد فرم‌های بومی ادبی گردید. لکن مالا در نتیجه فقدان عامل محرک بیرونی موجب پدید آمدن ادبیات ولایتی شد. به کارگیری صنعت چاپ در اوایل قرن هفده، عمومیت یافتن ادبیات را ممکن ساخت. ژاپنی‌ها هنر چاپ را دست کم از قرن هشتم می‌دانستند اما آن را منحصر به

تکثیر آثار و نوشته‌های مربوط به آیین بودایی کرده بودند و آثار کلاسیک ژاپنی فقط به صورت دستنویس نگهداشته می‌شد. احتمال می‌رود که خواستاران آثار ادبی چندان اندک بوده که پاسخگویی به خواسته آنها با استنساخ دستی، گویا پرهزینه و دشوار، عملی بوده است. یا شاید ملاحظات مربوط به زیبایی شناسی در نزد ژاپنی‌ها سبب ترجیح نوشتن آثار ادبی با خط زیبا می‌شده است. در هر صورت تا سال ۱۵۹۱ هیچ کتابی جز آثار مذهبی امکان چاپ نیافته بود. در حالی همان زمان عمال امپراطوری پرتغال در ناگازاکی کتابهایی را با حروف رومی چاپ می‌کردند. در سال ۱۵۹۳ بدنبال تهاجم ژاپن به کره يك دستگاه چاپ با حروف قابل تعویض برای امپراتور به هدیه فرستاده شد. طولی نکشید که چاپ به صورت سرگرمی اغتیا درآمد و نمونه‌هایی چند از ادبیات ژاپنی در چاپهای کوچک پدیدار گشت. در سال ۱۶۰۹ چاپ و نشر تجاری به راه افتاد. تا فرارسیدن دهه ۱۶۲۰ دیگر حتی آثار ادبی کم ارزش هم به دلیل شوق عموم برای مطالعه کتابهای تازه، به چاپ می‌رسید. و به این ترتیب ادبیات مردمی به یمن شکوفایی صنعت چاپ در ژاپن پدید آمد.

دوره اول توکوگاوا

در خلال دوره اولیه حکومت توکوگاوا شعر و شاعری تحولات زیادی به خود دید. نانکا که تا آن زمان در انحصار شاعران دولتی بود کم کم به دست سایرین افتاد و آنان سمت و سوی آن را به قالب ساده «مانیوشو» کشاندند. اما تحول عمده در زمینه نظم در عصر حکومت شوگونی توکوگاوا پیدایش «هایکو» بود. این قالب بسیار ساده، هفده هجا داشت که در سطور پنج، هفت و پنج هجایی جای می‌گرفت. هایکو از هوکو یا بیت مطلع هر يك از فصلهای رنگا پدید آمد که می‌بایست در هر سه سطر خود به فصل، موقع روز، مهمترین چیزهایی که به چشم می‌آیند و غیر ذلك اشاره داشته باشد که به این ترتیب هر فصل آن به صورت شعر مجزایی در می‌آمد. «هوکو» در اواخر قرن نوزده به نام «هایکو» شناخته شد و آن زمانی بود که از نقش اصلی خود یعنی آغاز کردن هر فصل از شعر، جدا گردید. اما امروزه هوکوی قرن هفدهم را نیز معمولا هایکو می‌خوانند.

هایکو توسط «ماتسوتو باشو» تا حد قالبی که امکان رساندن شعر را داشته باشد ارتقا یافت. باشو پس از تحصیل در مکاتب شعری زمان خود مکتبی خاص در شعر بنا نهاد و در آن تاکید داشت که هایکو می‌باید هم حاوی مفهوم بعضی حقایق جاودانه وهم حاوی عنصری از روزگار خود باشد. هایکوی باشو برخلاف ایجاز آن، غالبا از طریق معدود عناصر اصلی خود دنیایی را که بدان تعلق داشت یکسره به نمایش در می‌آورد.

بهترین آثار باشو گزارش سفرهای او است که شعر او را نیز در لایه لای خود دارد. از میان آثار او «اوکونو هوسومیچی» (باریکه راه از اعماق شمال، ۱۶۹۴) مردمی‌ترین و پرجایزترین اثر ادبیات دوره توکوگاوا است.

نثر سالهای ۱۶۰۰ تا ۱۶۸۲ کلا عنوان «کانا» -

زوشی» یا کتابهای کانا را بر خود دارد. این عنوان بر آثار تخیلی و علاوه بر آن بر آثار دارای حالتی تقریباً تاریخی، کتب دانستنیهای علمی، کتب راهنما و مقالات متفرقه اطلاق می‌شد، از نویسندگان این دسته آثار فقط یک نفر به نام «آسای ریوی» قابل توجه است. او سامورایی بود و نخستین نویسنده مردمی و حرفه‌ای تاریخ ژاپن به شمار می‌آید. ریوی به عین توسعه شیوه‌های نسبتاً ارزان چاپ و افزایش معنا به توده کتابخوان توانست از راه نویسندگی گذران زندگی کند. او به سبک ساده‌ای می‌نوشت و البته بعضی از کتابهای او سبک و مایه بودایی دارد. معروفترین رمان او «اوکی یو مونوگاتاری» (قصه‌های دنیای شناور، ۱۶۶۱) هم از لحاظ تکنیک و هم از لحاظ طرح ابتدایی است. اما ریوی در زیر نقاب سادگی خود بر آن است تا مشکلات جامعه‌ای را حل کند که در آن فلسفه کنفوسیوسی بدان جهت رسماً مورد احترام است تا نا برابریهای فاحش را از نظرها پوشیده دارد. اولین رمان نویس برجسته عصر جدید «ایهارا سایاکاگو» بود. بعضی از منتقدین ژاپنی او را در تراز صدرنشینان ادبیات ژاپن در تمام تاریخ آن می‌دانند. آثار او با دقت کلاسیکهای بزرگ ویراستاری و چاپ می‌شود. اولین رمان سایاکاگو «کوشوکو ایچی دای اوتوکو» (زندگی مرد عاشق پیشه، ۱۶۸۲) مسیر داستان نویسی ژاپن را تغییر داد. عنوان کتاب دارای مایه‌های عشقی است، و طرح آن به سرگذشت و ماجراهای مردی می‌پردازد که از کودکی در سن هفت سالگی مقالاتی درباره عشق ورزی می‌نویسد و در ۶۰ سالگی عزم سفر به جزیره‌ای می‌کند که تمام سکنه آن زن هستند محله‌های بد نام که در عصر دولت توکوگاوا در شهرهای مختلف ژاپن بر خلاف ادعای پیروی این دولت از اخلاق کنفوسیوسی، ایجاد شده‌اند با منحرف کردن نیروی سامورائی‌های عاصی امکان کنترل آنها را به دولت بدهد. به مراکز فرهنگ جدید بدل گشت وارد بودن به آداب و رسوم محله‌های بدنام، نشانه برتری مرد بود. اصطلاح قدیمی «اوکی یو» که تا آن روز مترادف با «دنیای غمگین» داستانهای بودایی بود از آن پس به معنای متشابه خود بر «دنیای شناور» لذت جویی دلالت می‌کرد. این دنیا، دنیای مورد علاقه قهرمان کتاب سایاکاگو بود که چهره نشاندار عصر شد. تلفیق سبک درخشان و همدلی صمیمانه با شخصیت‌های کتاب، مقام آثار سایاکاگو را از مرز آثار جنسی تا مرتبه هنر عالی ترفیع داد.

سایاکاگو چهره اصلی درنسانس ادبی قرن هفدهم بود. فرهنگی که در این دوره پدید آمد نوگرایی را بر سنتهای باستانی افزود. قرار داشتن در دل «دنیای شناور» مترادف با تجدد و همپایی با آخرین مدها بود. «گن روکو»، نامیکه به آثار هنری و ادبی دوره ۱۶۸۸-۱۷۰۳ اطلاق می‌شود عنوان فرهنگ خاص این دوره است. یکی دیگر از ابعاد گن روگو یعنی توجه به زندگانی زنان سیه روز در آثار نمایشنامه نویسی بزرگ آن دوره «چایکاماتسو مونزومون» متجلی است. او فقر را موجب تباهی آنان می‌داند و تنها راه رهایی آنان از زندگی نکیت بارشان را که خودکشی است به نمایش در می‌آورد. اما چایکا ماتسو بیشتر

نمایشنامه‌هایش را برای تئاتر عروسکی می‌نوشت. این تئاتر در قرن هجدهم بسیار مورد توجه و علاقه عموم قرار داشت. نمایشنامه‌های او در دو مقوله اساسی جای می‌گرفت. آثاری که به واقعه‌های تاریخی و افسانه‌ها می‌پرداخت، و آثاری که به زندگی عصر خود توجه داشت. اما باید در نظر داشت که بزرگترین آثار تئاتر عروسکی از آن چایکاماتسو نیست و به نویسندگان بعد از او تعلق دارد. نمایشنامه‌های او با وجود ارزش ادبی، خواسته تماشاچیان مبنی بر نمایش فداکاری، وفاداری و دیگر فضایل مورد توجه جامعه را بر آورده نمی‌کرد.

دوره آخر توکوگاوا (۱۸۶۷ - ۱۷۷۰)

ادبیات دوره آخر توکوگاوا همسنگ دستاوردهای دوره اولیه و خصوصاً آثار استادان گن روکو نیست. با این حال صداهای رسای جدیدی در قالبهای سنتی شعر این دوره به گوش می‌رسید. شاعران متأخر مکتب «تومانیوشو» نشان دادند که حدود تا ناکا فقط تا توصیف مناظر طبیعت یا عشقهای ناکام نیست و می‌تواند لذت از شام یا ناراضی از وقایع سیاسی را نیز در بر گیرد. بعضی از شاعران که تا ناکا فاقد میدان کافی برای رساندن چنین عواطفی دیدند همانند پیشینیان به نوشتن اشعار خود به زبان چینی روی بردند. «رای سانئو» شاعر قرن نوزدهم اشعارش را با مهارتی به زبان چینی نوشت که تا آن زمان هیچکس در ژاپن به آن حد دست نیافته بود.

شعرای دوره آخر توکوگاوا نکاتی را نیز از خود به هایکو افزودند. «یوسابوسون» عنصر رمانتیک و روایتی را به کار گرفت و «کوبایاشی ایسا» در آنارش از لهجه‌های مردم عامی استفاده کرد.

در آخرین قرن حکومت شوگوناتی توکوگاوا انواع زیاد داستانهای تخیلی نیز پدید آمد. اما همه آنها به طور کلی زیر عنوان نارسای «گیساکو» (تصنیفات بی خیال) قرار گرفته است. کلمه «بی خیال» ازوما اشاره به موضوع کتابها نداشت. بلکه بر مبنی مورد ادعای نویسندگان آن، مردان تحصیلکرده‌ای که منکر مسئولیت نوشته‌های خود می‌شدند، دلالت می‌کرد. نویسندگان گساکو به سبک کار و ساختمان آن چندان نظر نداشتند و کتابهایی می‌نوشتند که فاقد قالب مشخص و سرشار از پرگویی بود. آنها نویسندگانی حرفه‌ای بودند که از راه فروش کتابهای خود زندگی می‌گذراندند. مخاطب کتابهای آنها توده هرچه بیشتر مردم بود و همینکه کتابی موفقیت می‌یافت، دنباله آن تاجایی که توده خواستار بود ادامه می‌یافت.

به طور کلی ادبیات ژاپن در پایان دوره حکومت توکوگاوا در پایین‌ترین سطوح خود قرار داشت. معدودی از شاعران تا ناکا و نمایشنامه نویسان آن دوره هستند که امروزه نیز آثارشان خواننده دارد. ادبیات ژاپن در این زمان از نفس افتاده بود و به محرکی از خارج نیاز داشت.

ادبیات نوین

پس از آمدن ناوگان ناخداپری در سال ۱۸۵۳ و باز شدن تدریجی کشور بر روی غرب و نفوذ آن، تاثیرپذیری ادبیات ژاپن چندان قابل توجه نبود. گاه به

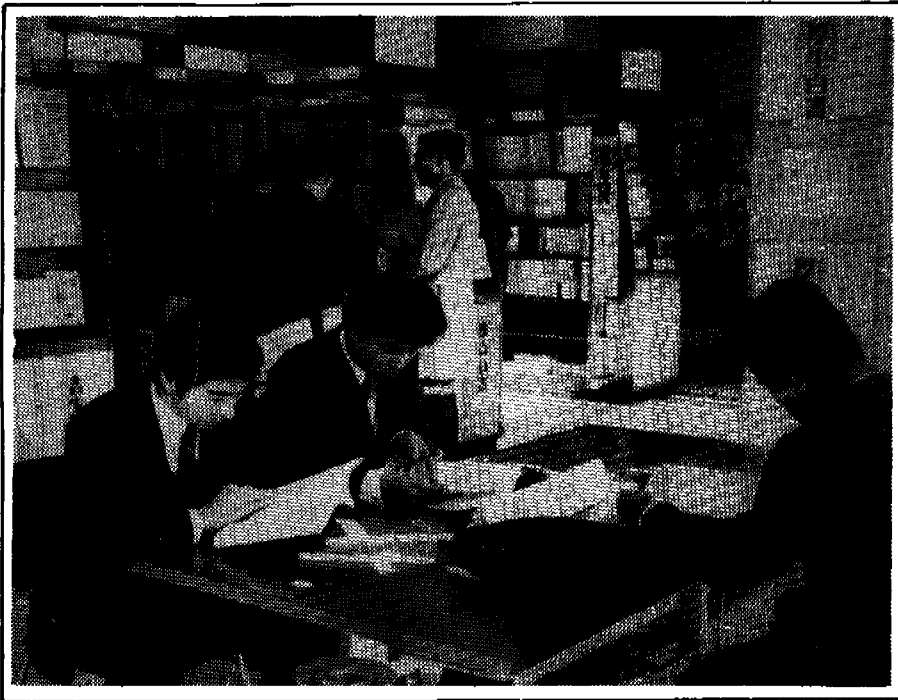
نظر می‌رسید که بسته بودن طولانی کشور و وحدت کلی جامعه توکوگاوا در طول دهه‌ها قوه تصور نویسندگان گساکو را به تحلیل برده بود. وجود خارجی با لباسهای میدل می‌توانست بعضی واکنشها را از سوی نویسندگانی که به دنبال مواد جدید بودند برانگیزد. اما این امر در ابتدا تاثیر ناچیزی داشت. نویسندگان گساکو از تحولات جامعه ژاپن غافل بودند و با همان موضوعات کهنه دویست سال قبل کار می‌کردند.

پس از انتقال پایتخت به ادو (که نام آن به توکیو تغییر یافت) و به قدرت رسیدن امپراطور میجی نویسندگان ژاپن درصدد کسب دانش از همه جای جهان برآمدند. اما طرلی نکشید که مورد تهاجم دشمنان قدیمی خود، پیروان آئین کنفوسیوس قرار گرفتند که کتابهای غیراخلاقی را تقیح می‌کردند. طرفداران دانش نوین غرب نیز به آنها حمله می‌کردند. نویسندگان گساکو با قطعات هجایی به این حملات پاسخ دادند. اما در برابر تحولاتی که کل جامعه را دگرگون می‌ساخت تاب مقاومت نداشتند.

ورود ادبیات غرب

ترجمه آثار غیرادبی از زبانهای اروپایی اندل زمانی پس از قدرت یابی میجی آغاز شد. معروفترین نمونه‌ها ترجمه آثار ساموئل سمایل بود. این ترجمه‌ها برای ژاپنی‌های جوان و جاه طلب که سودای چشم همچشمی با شخصیت‌های موفق غرب را داشتند درحکم انجیل بود. نخستین ترجمه مهم از رمانهای اروپایی در سال ۱۸۷۹ و از روی یکی از آثار لرد لیتون انگلیسی صورت گرفت. نخستین ترجمه‌ها بدون دقت بود. مترجمین هر بخشی را که درست درمی‌یافتند بیه آن را داشتند که برای خواننده ژاپنی مفهوم نباشد حذف می‌کردند یا اینهمه دیری نپایید که مترجمان دریافتند ادبیات اروپایی واجد کیفیت‌هایی است که نوشته‌های ژاپنی‌ها تا آن زمان ناشناخته بوده است. «اوکی گومو» (ابرشاور، ۱۸۸۷) اثر «فوتایاتو شی می» نخستین رمان مدرن ژاپنی بود. نویسنده این اثر با ادبیات روسی و نقد ادبی غربی عصر خود آشنا بود. اورمان خود را به زبان محاوره‌ای نوشت و ظاهر مطالعه او در ادبیات روس وی را بدین نتیجه رساند بود که برای توصیف اجتماع نویسنده، فقط زبانه محاوره‌ای مناسب دارد. اما باوجود توفیق «فوتایاتو» در این تجربه، اکثر نویسندگان ژاپنی تا پایان قرن زبانه ادبی را در آثار خود به کار می‌گرفتند. این امر بدو شک به خاطر بی میلی آنها به کنار گذاشتن میراث غنای بیان و زبان سنتی و جایگزین ساختن زبان بی‌الایت جدید بود.

ترجمه اشعار غربی منجر به آفرینش قالبهای ادبی جدید ژاپنی شد. مترجمان اعلام می‌کردند که هرچه شعر اروپا در قالبهای موزون، غیر موزون، بلند و کوتاه بسیار متنوع تر از شعر ژاپن است، ترجمه‌های آن همه طور یکدست با زبان گفتاری معمولی صورت گرفت. است. تاکید بر زبان نو و کشف قالبهای متنوع برای شاعر تنها درسهای شعر اروپا به ژاپن نبود. مترجمان



توده ژاپنی‌ها را متوجه این نکته ساختند که با شعر گفتن در قالبهای تانکا یا هایکو بخش زیادی از تجربه آدمی همواره دست نخورده باقی مانده است. نخستین محصولات نفوذ ادبیات غرب بر شعر ژاپن تجربیاتی خام و مضحك با وزن و یا با موضوعات یاس آوری چون میادی جامعه شناسی بود.

یک دهه پس از آنکه آثار شاعران رمانتیک انگلیسی از قبیل شلی و وردزورث شعر ژاپن را زیر نفوذ خود داشت، ترجمه‌های «اوتو دابین» از آثار شاعران فرانسوی مکتب پارناس و سمبلیستها تاثیر بسیار قوی تری برجای گذاشت. «اوتو دا» نوشت: «وظیفه سمبل، آفرینش حالتی عاطفی در خواننده است که با حالت ذهنی نویسنده شبیه باشد؛ مفهوم سمبل در نزد همه کس الزاماً یکسان نیست.» این نظر از غرب اخذ شده بود، لکن درست با کیفیات تانکا مطابقت داشت. از آنجا که زبان سنتی شعر ژاپن ابهاماتی داشت، طبیعی بود که یک شعر فرضی بر خوانندگان مختلف، اثرات مختلف بگذارد؛ همچنانکه در شعر سمبلیستی نیز مهم، ارتباط یافتن با روح خواننده بود.

تانکا و هایکو قالبهای سنتی شعر ژاپن که با ورود شعر غرب مدتی منسوخ شده بود، بیشتر به همت «ماسوکاشی کی» از شاعران برجسته اواخر قرن نوزدهم دوباره رواج یافت. از آن پس غالب شاعران تانکا و هایکو همچنان زبان کلاسیک را به کار گرفتند. اما «هاگی وارا ساکوتارو» که عموماً بهترین شاعر ژاپنی قرن بیستم شمرده می‌شود از امکانات موسیقایی و بیسانی زبان نوین استفاده شایانی کرد. باره‌ای دیگر از شاعران خود را وقف ترجمه اشعار اروپایی کردند و در این راه به نتایج تحسین بر انگیزی در زبان ژاپنی رسیدند که ترجمه‌های آنان از آثار پر اهمیت شعر نوین ژاپن به شمار می‌آید.

رمان در سالهای ۱۹۰۵-۴۱

از سال ۱۹۰۶ زمان انتشار «هاکای» (امرئ شکسته) اثر «شیمای زاکای توسون» ناتورالیسم جریان عمده داستان نویسی در ژاپن شد. این جریان بیشتر با الهام از آثار اصیل زولا نویسنده قرن نوزدهم فرانسه و دیگر ناتورالیست‌های اروپایی به راه افتاد. اما طولی نکشید که رنگ و بوی مشخص ژاپنی به خود گرفت. با «ینهمه «اوگای» و «سوسه کی» بزرگترین نویسندگان قرن بیستم ژاپن، جدا از جریان ناتورالیسم ژاپن قرار دارند. «اوگای» تحت نفوذ رمانتیک‌های آلمان به کار پرداخت و بعدها به نوشتن رمانهای تاریخی روی آورد. «سوسه کی» با نوشتن آثار بدله گویانه اشتهار یافت. ژاپنی‌ها «سوسه کی» را بزرگترین رمان نویس مدرن خود می‌دانند. او بیشتر پیرامون زندگی روشنفکران در ژاپن می‌نوشت که بی ملاحظه به قرن بیستم پرتاب شده بود.

در دهه پس از پایان جنگ ۱۹۰۵ روس و ژاپن جریان شکفتن اور فعالیت‌های خلاقه به راه افتاد. در تاریخ ادبیات ژاپن شاید هیچگاه تا آن زمان آنهمه نویسنده بزرگ در یک زمان سرگرم کار و فعالیت نبودند. جنبش ادبیات پرولتاریایی ژاپن که در همین

دوره نضج گرفت، ادبیات را اسلحه‌ای می‌دانست که برای اجرای اصلاحات و برپا کردن انقلاب علیه بی عدالتی اجتماعی به کار می‌آید. این جنبش در اواخر دهه ۱۹۲۰ جهان ادب ژاپن را عملاً در سلطه خود گرفت. اما فشار دولتی از سال ۱۹۲۸ به بعد ملاً آن را نابود ساخت. «کویایاشی تاکی جی» نویسنده بزرگ پرولتاریایی در سال ۱۹۳۳ زیر شکنجه پلیس در گذشت. از آثار و نوشته‌های محصول این جنبش تنها معدودی دارای ارزش ادبی است. اما توجه به طبقات مردمی که تا آن زمان مورد بی توجهی نویسندگان ژاپنی بوده‌اند، به آثار این جنبش اهمیت خاص آن را می‌بخشد.

دیگر نویسندگان این دوره به این نتیجه رسیده بودند که وظیفه ضروری ادبیات، هنر و نه تبلیغ است. «کاوایاتا یاسوناری» از جمله جلوداران این گروه بود که آثار او هنوز هم به خاطر تفزل و ساختمان اشراقی خود تحسین می‌شود. کاوایاتا جایزه ادبی نوبل سال ۱۹۶۸ را با این آثار از آن خود ساخت. منتقدین ژاپنی، آثار دوره پیش از جنگ را به مکتبهای خاصی تقسیم و نامگذاری کرده‌اند. در هر یک از این مکتبها معمولاً نویسنده شاخص آن و تعدادی نویسنده پیرو او قرار دارند. منتقدترین نویسنده از میان این مکتبها «شی گانانویا» است. سبک ادبی مشخص او «آی ناول» (رمان آی) است که نفوذ و قدرت آن موجب شد تا بیش از دیگر سبکها و آثار مورد توجه منتقدین قرار گیرد. اما آثار پیروان «شی گا» همسنگ کارهای خود او نیست.

رمان در دوره پس از جنگ دوم جهانی

با راه افتادن جنگ دوم جهانی نشر آثار ادبی در ژاپن ممنوع گردید. سانسور با شدت برقرار شد و از نویسندگان نیز انتظار می‌رفت تا به جنگ بیبندند. در خلال جنگ اقیانوس آرام، در سالهای ۴۵-۱۹۴۱ آثاری پدید آمد که کما بیش حائز ارزش ادبی بود. اما در اولین سالهای پس از پایان جنگ فعالیت‌های فوق العاده نویسندگان قدیم و جدید شروع شد. این

عده بیشتر به شرح و توصیف دوره جنگ و وقایع آن می‌پرداختند. شاید قدرتمندترین اثر از آن میان «نوبی» (آتش بر دشت، ۱۹۵۱) اثر «اوکاشوهی» باشد که احوال سربازان شکست خورده ژاپن در جنگهای فیلیپین را توصیف کرده است. بیماران اتمی ژاپن نیز منشاء پیدایش آثار منظوم و منثور زیادی شد.

ژاپن سالهای پس از جنگ و ژاپن سعادت‌مند دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ زمینه بیشتر آثار «یوکیو می‌شیمای» رمان نویسی و نمایشنامه نویسی بسیار درخشان ژاپنی است. او نخستین نویسنده ژاپنی است که در خارج از کشورش نیز اشتهار یافت. معروفترین آثار «می‌شیمای» «کلین کاکو - جی» (معبد غرقه طلا، ۱۹۵۶) مطالعه روانشناسانه رویدادی واقعی است که طی آن راهبی جوان شکارکار معماری معروفی را در خاک دفن می‌کند.

سر انجام در دهه ۱۹۷۰ نسل جدیدی با امید به احیای رمان مدرن ژاپن پا به عرصه نهاد.

نمایشنامه‌های مدرن

تئاتر مدرن نیز با ترجمه و اقتباس آثار غرب آغاز شد. این تئاتر از اواخر قرن نوزدهم نضج گرفت. در آن زمان عامه مردم هنوز نمایشنامه‌های فاقد رقص و موسیقی را نمی‌پسندیدند. در قرن بیستم نیز نمایشنامه نویسان معروف کمتر فرصت و امکان اجرای آثار خود را می‌یافتند. مقارن با دوره اولیه پیدایش تئاتر و نمایشنامه نویسی مدرن ژاپن، سینما نیز به این کشور راه یافت که به دلیل گستردگی و شمول آن برای مردم، خود از موانع توسعه تئاتر مدرن گردید.

باری، هر از گاه نویسندگان چندی به تئاتر جذب می‌شدند اما اینان ناگزیر بودند به همان کار رمان نویسی روی آورند زیرا که از نمایشنامه کمتر استقبال می‌شد. در هر صورت تا زمان پس از جنگ دوم جهانی نمایشنامه مدرنی که حائز اهمیت جهانی باشد در ژاپن نوشته و یا اجرا نشد.